سال بیست‌وسوم ■ شماره ۶۵۵۹
پنجشنبه ■ ۱۲ مرداد ۱۳۹۶

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

editorial@iran-newspaper.com

مدیرمسئول: محمد فاضلی
سردبیر: داوود محمدی
نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ روابط عمومی: ۵-۸۸۷۶۹۰۷۴
نشانی: تهران خیابان خرمشهر- شماره ۲۰۸ صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ - روابط عمومی / امور مشترکین: ۸۸۵۲۱۹۵۴ - ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: اشراق قلم‌پارسه سازمان چاپ دانشگاه آزاد اسلامی چاپ همزمان اصفهان (آنیل رسانه)
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ تلفن: ۴-۸۸۵۰۰۶۰۱ پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷
میثاقنامه اخلاق روزنامه‌نگاران ایران: www.ion.ir/news/19949.html

سخن روز

پیامبر صلی الله علیه و آله:
ثلاث من کنّ فیه فهو منافق و إن صام و صلّی و حجّ و اعتمر و قال: «إنّی مسلم» من إذا حدّث کذب و إذا وعد أخلف و إذا ائتمن خان.
سه چیز است که در هر کس باشد منافق است اگر چه روزه دارد و نماز بخواند و حج و عمره کند و بگوید من مسلمانم، کسی که هنگام سخن گفتن دروغ بگوید و وقتی که وعده دهد تخلف نماید و چون امانت بگیرد، خیانت نماید.
نهج الفصاحه ص ۴۲۲، ح ۱۲۸۰

اینم از این

علیرضا کاردار

بین التحلیفین

سی دی سریال عاشقانه را از دستگاه درآوردم. همسرم گفت: «خوب بود. بدو زود شهرزاد رو بذار» انگار اگر بینش فاصله می‌افتاد، می‌ماسید. گفتم: «بذار یه نفسی بکشیم. این دستگاه بدبخت هم استراحت کنه.» کار این شب‌های ما شده سریال دیدن. عاشقانه که تمام شد، نوبت شهرزاد است و گیم آو ترونز و بعدش تکرار کوچه اقاقیا. هنوز فرار از زندان و خانه پوشالی هم توی نوبتند. خوب است همین سریال‌ها هستند، وگرنه مجبور می‌شدیم تلویزیون‌مان را بفروشیم بس که بیکار گوشه هال افتاده است. همسرم گفت: «پس پاشو دو تا لیوان شربت خاکشیر بیار، تا هم خستگیت در بره، هم دستگاه خنک بشه!» همیشه حسرت می‌خورم چرا پدر و مادرم به من «نه گفتن» را یاد نداده‌اند. هرچند در این جور مواقع «نه گفتن» به همسر، جرأت بیشتری می‌خواهد تا رانندگی با پراید. گفتم: «راستی شنیدی مدیرعامل سایپا گفته پراید مطلوب فقراست ولی از رده خارج میشه؟» گفت: «از رده خارج شدن فقط تغییر شکل صندوق عقب و چراغ‌های جلو، بقیه‌اش شوخی‌ای بیش نیست! خدا این فقرا رو بیشتر کنه که یه عده رو به چه جاهایی رسوند!» رفتم توی آشپزخانه تا حرف به جاهای باریک نکشد که گفت: «میگن خبری از زن نیست» چند ثانیه ماتم برد که یعنی چه؟ با خودش حرف می‌زند؟ کسی آمده توی خانه؟ گیسو برازنده را می‌گفت؟ قباد از زن گرفتن منصرف شده است؟ نکند دنریس تارگرین زن نیست؟ بیرون آمدم و پرسیدم: «چی؟» گفت: «میگن تو کابینه جدید خبری از زنان نیست.» آهان! به خیر گذشته بود. گفتم: «کی گفته؟ تازه شنبه تحلیفه. بعدش اسامی هیأت دولت رو اعلام می‌کنن. به‌جز خود آقای روحانی حضور هیچ‌کس دیگه تو دولت جدید هنوز قطعی نشده» لیوان شربت را هم زد و گفت: «و آقای رحمانی فضلی! عزیزم اینجا هروقت چیزی تکذیب شد یا تأیید نشد، بدون که قطعیه!» حالا ببین ها! کاش همان سریال‌ها را یک نفس می‌دیدیم تا کار بالا نگیرد و این چهار خط ستون با حرف‌های سیاسی به هچل نیفتد.
بحث را عوض کردم و گفتم: «خوب شد شنبه تعطیل شد، می‌تونم به کارام برسم.» گفت: «اتفاقاً خوب نشد. کاش مراسم تحلیف رو دوشنبه می‌گرفتن که قبل و بعدش رو هم تعطیل می‌کردیم و می‌زدیم تنگش. دستگاه خنک شد، سی دی بعدی رو بذار.» رفتم سمت تلویزیون و گفتم: «ما که تازه مسافرت بودیم، به علاوه اینکه اوضاع مالی اصلاً میزون نیست. همون بهتر که تعطیل نشد.» گفت: «حالا کی گفت بریم مسافرت؟ منظورم اینه می‌موندیم خونه و یک ضرب این سریال‌های باقیمونده رو می‌دیدیم. اوضاع مالی شما که هیچ‌وقت میزون نیست، لازم نیست اسپویل کنی!» آبرو برای آدم نمی‌گذارد، اینم از این!

خبر آخر

«دریابندری» ثبت ملی شد

نجف دریابندری را بیشتر به نام مترجم می‌شناسند اما کتاب «مستطاب آشپزی، از سیر تا پیاز» را که با همراهی همسرش، فهیمه راستکار نوشت، برای علاقه‌مندان نجف و فهیمه و طعم‌های مختلف و خوراکی‌های متنوع شد چون حافظ که باید یک نسخه‌اش حتماً در خانه پیدا شود. روز گذشته روابط عمومی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری اعلام کرد که نجف دریابندری به‌عنوان «گنجینه زنده بشری در میراث خوراک» در فهرست حاملان میراث ناملموس (نادره‌کاران) ثبت شد؛ به پاس نوشتن سیر تا پیاز آنچه از آشپزی می‌دانست و افزودن پژوهشی ۸ ساله به آن، و این که با زبانی شیرین و خوشمزه، آشپزی را به یک تفریح و کاری چون خواندن کتاب و داستان تبدیل کرد. این کتاب که به پیشنهاد زنده‌یاد محمد زهرابی، مدیر نشر کارنامه، نوشته شده است علاوه بر بیان خواص مواد غذایی و دستور پخت غذاهای ایرانی، اطلاعات جالبی درباره آشپزی ایرانی، چینی، رومی، هندی، ترکی، عربی، اسپانیایی، ژاپنی، ایتالیایی، فرانسوی و روسی به خواننده می‌دهد.

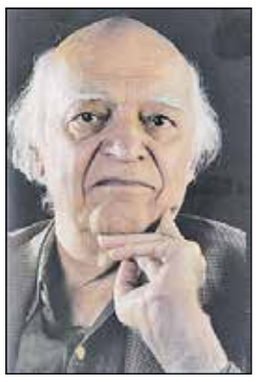

عدد

۲ روز کنسرت کیهان کلهر در تهران

کیهان کلهر و گروه هلندی رامبرانت تریو ۱۴ و ۱۵ شهریور، کنسرتی را در تالار وزارت کشور روی صحنه می‌برند و قطعاتی از تلفیق موسیقی شرق و غرب را اجرا می‌کنند. این نخستین باری است که کلهر و رامبرانت تریو در ایران روی صحنه می‌روند. همکاری کلهر و این گروه، از سال ۲۰۱۱ آغاز شده است و بزودی آلبوم یکی از اجراهای مشترکشان در ایران منتشر خواهد شد. بعد از کنسرت تهران، کلهر و رامبرانت تریو در کشورهای مختلف اروپا از جمله هلند، آلمان و بلژیک کنسرت خواهند داد و در روز ۲۹ سپتامبر در باربیکن سنتر لندن به اجرای قطعات می‌پردازند.

۶ شهر ایران میزبان نخستین دوره مدرسه معماری تابستانی

نخستین دوره مدرسه معماری تابستانی در شش شهر ایران شامل ارومیه، بوشهر، خرم‌آباد، قزوین، مشهد و همدان، توسط کانون معماران معاصر از ۲۱ مرداد تا ۴ شهریور برپا می‌شود. مدرسه معماری Caai کانون معماران معاصر در نظر دارد به منظور بهسازی فضاهای شهری و ارتقای کیفیت زندگی در بافت فرسوده شهرها، شناخت تکنولوژی‌های بومی و استفاده از آنها با شیوه‌های امروزی، شناخت رفتار مصالح محلی و استفاده از آنها این برنامه را برگزار کند. الهام رضوی؛ مدیرعامل کانون معماران معاصر با بیان این مطلب گفت: این دوره تابستانی همزمان در شهرها برگزار می‌شود و استادان هر کارگاه، هدایت گروه‌های ۱۲ تا ۲۰ نفره دانشجویان را برعهده دارند.

تبریز	تهران	مشهد	اهواز	بندرعباس	یزد	شیراز	رشت
۳۷	۳۴	۳۵	۴۸	۴۳	۳۶	۳۸	۳۴
۲۴	۲۴	۲۳	۳۴	۳۲	۲۳	۲۰	۲۲

اذان ظهر ۱۳/۱۱ اذان مغرب ۲۰/۲۷ نیمه شب شرعی ۰۰/۲۳ اذان صبح فردا ۴/۳۹ طلوع آفتاب فردا ۶/۱۴

[فرود نخستین ایرباس ایران ایر در فرودگاه مهرآباد / ۱۳۴۵]

عکس‌نوشت

به بهانه سالروز افتتاح نخستین فرودگاه مدرن ایران

روزگار فراموش شده مهرآباد

مهدی نوروز

ساعت حوالی پنج و نیم صبح؛ آسمان رو به روشن شدن است. صدای بوق ماشین‌ها هنوز غالب نشده و به جایش صدای پرندگان همچون نت‌های آغازین سمفونی شهر نواختن گرفته است؛ هنوز دیری از این صحنه نگذشته که صدای دور گرفتن و تیک آف هواپیمایی، شیپور شروع روز را به صدا در می‌آورد و چُرت شهر را به کلی در هم می‌شکند. اینجا میدان آزادی، فرودگاه مهرآباد است. هشتاد تابستان قبل تر، شاید اگر صدای رودخانه کن، رمق و خروش گذشته‌اش را داشت همچون پیرمرد پر طمطراقی که دوست دارد خاطرات گذشتگان را به جای خاطرات خودش جا بزند، می‌گفت «شما یادت نمی‌آید! مهرآباد از املاکی بود که حاج میرزا آقاسی به محمدشاه هبه کرد. سه خانوار رعیت داشت و از آب یافت‌آباد مشروب می‌شد. نظام‌الدوله معیرالممالک آن را از دولت به دوهزار و هشتصد تومان خریداری کرد و داخلش قنات و باغ و قلعه روستایی ساخت. اوایل حسین‌آباد نامیده می‌شد و پس از آنکه به مهریه مادرم عصمت‌الدوله درآمد، مهرآباد خوانده شد.» و این گونه بود که -برپایه نوشته دوستعلی خان معیرالممالک- روستایی در ممالک محروسه ایران و در حوزه استحفاظی طهران قاجاری به نام «مهرآباد» شکل گرفت. اما شاید در سال ۱۲۸۱ قمری، هیچ کس فکرش را نمی‌کرد که ۱۰۷ سال بعد، درهمان حوالی، طیاره بر زمین بنشیند و نامش را «فرودگاه» گذارند. ورود به مهرآباد همیشه با تماشای یک چیز همراه است؛ دمی بزرگ که بسان درختی از میان زمین روییده است. این دم مربوط به ایرباس «ایران‌ایر» است که در سال ۱۳۷۸ در تصادفی با یک هواپیمای نظامی روی باند، خاکستر شد. ساختمان سفید رنگ ترمینال مهرآباد به مثابه مردی شیک پوش و منتظر که بوی عطر پیراهن اتو خورده‌اش جلب توجه می‌کند، صدایی صاف کرده و می‌گوید: نام چیزی که فکرش را هم نمی‌کنی با مهرآباد گره خورده است؛ اورژانس. سال ۱۳۵۴ سقف ترمینال فرودگاه به علت برف سنگین فرو ریخت و ۱۷ نفر به خاطر نبود سامانه امدادرسانی کشته شدند؛ پس از این حادثه بود که طرح ایجاد اورژانس کشور مطرح شد.
همان پیرمرد می‌گوید که: مهرآباد این روزها غریب شده است. روزگاری برای خودش برو بیایی داشت. محور اتصال شرق به غرب بود و حتی بعد از قطع رابطه با امریکا از مهم‌ترین محل‌های نشست و برخاست اروپایی‌ها در منطقه بود. حالا اما توسعه شهر، مکانی را که از نخستین نمادهای مدرنیته بود، به حاشیه رانده و رشد ساختمان‌ها و زندگی شهری حتی ساعات کاری فرودگاه را محدود کرده است. از فرودگاه خارج می‌شوم، دور میدان فتح عکاسانی مشغول شکار هواپیماها هستند؛ صدای بوق ماشین‌ها غالب شده اما شیهه پرنده آهنین به همراه بدن غول پیکرش به هوا بر می‌خیزد. خسته است اما بالا و بالاتر می‌رود، شاید کسی پشت یکی از شیشه‌ها، در حالی که اوج می‌گیرد به کناری‌اش بگوید، فلانی! «زندگی دیدن یک باغچه از شیشه مسدود هواپیما است.»

ایران‌نگاری

علی رنگچیان
طراح و مجری «تجربه گردشگری شهری»

به بهانه زادروز بارون جرج گلن کامرون

عیلام‌شناسی در امریکا

جرج گلن کامرون (George Glenn Cameron)، به‌عنوان صاحب‌نظر کم‌مانندی در زمینه مطالعات زبان‌ها و تاریخ شرق باستان و بویژه در زبان عیلامی شناخته می‌شد. او پس از رنخستینسون مجدداً رونوشتی از کتیبه داریوش در بیستون تهیه کرد و نیز لوحه‌های گلی تخت‌جمشید را قرائت کرد. کتاب او با نام «ایران در سپیده‌دم تاریخ» که در سال ۱۹۳۶ منتشر شد هنوز مرجع عمده‌ای در تاریخ عیلام به شمار می‌آید. جرج گلن کامرون، تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته زبان‌های شرقی در دانشگاه شیکاگو به پایان رساند و در سال ۱۹۳۲ درجه دکتری گرفت. مدتی در مؤسسه زبان‌های شرقی دانشگاه شیکاگو به تدریس اشتغال داشت. در سال ۱۹۴۸ شیکاگو را ترک کرد و بخش مطالعات شرقی را در دانشگاه میشیگان در آن آربر بنیان نهاد. کامرون سال ۱۹۳۹ در هیأت حفاری اریک اشمیت در تخت جمشید به‌عنوان کتیبه‌شناس حضور داشت. در گزارش حفاری اشمیت، که در سه جلد منتشر شد، سهم بسزایی داشت، که از آن جمله ترجمه مجدد چند کتیبه مهم دوره هخامنشی بود. اثر ماندگار او «الواح خزانه تخت‌جمشید» در سال ۱۹۴۸ منتشر شد. این کتاب حاصل مطالعات جامع او درباره ۱۱۴ لوح از ۷۵۳ لوحی است که اشمیت در اکتشافات سال‌های ۱۹۳۸- ۱۹۳۶ به دست آورده بود و یکی از منابع مهم فارسی باستان و عیلامی و همچنین تاریخ امپراتوری هخامنشی در دوره حکومت داریوش اول و خشایارشا به شمار می‌رود. کامرون در سال ۱۹۴۹ نشان همایون را از دولت ایران دریافت کرد. در سال ۱۹۵۲ از سوی کاخ ماسکینگام موفق به دریافت درجه دکتری ادبیات شد. همچنین در سال ۱۹۷۴ از سوی دانشگاه تهران به او دکترای افتخاری اعطا شد. در سال ۱۹۷۲ به مناسبت شصت‌وهفتمین سال تولدش، شماره‌ای از نشریه «انجمن شرق‌شناسی امریکا» به او اختصاص یافت. او در سال ۱۹۷۵ با درجه ممتاز بازنشسته شد. یک سال بعد، به همین مناسبت جشن‌نامه‌ای به همت همکارانش در دانشگاه میشیگان، در نشریه مطالعات شرق‌شناسی میشیگان به او تقدیم شد.

با من به طهران بیایید

نصرالله حدادی

در آستانه سالگرد امضای فرمان مشروطه

۱۱ سال، پس از یک قرن

شنبه چهاردهم مرداد، یکصد و یازدهمین سالگرد امضای فرمان مشروطیت از سوی مظفرالدین‌شاه است و در تقویم رسمی کشور، همواره این روز تأکید شده است. مظفرالدین شاه قاجار، بر خلاف پدرش ناصرالدین‌شاه که قریب به نیم قرن قمری، بر اریکه قدرت تکیه داشت و تقریباً با آرامش این مدت مدید را طی کرد، تنها ۱۰ سال -از اردیبهشت ۱۲۷۵ تا دی ماه ۱۲۸۵ شمسی- ظاهراً زمام قدرت را در دست داشت و در تمامی این سال‌ها، با دردسر و اعتراض مواجه بود. سرانجام هم با اوج‌گیری انقلاب مشروطیت، تنها کار مثبتی که از او می‌توانست سر بزند، به منصه ظهور رسید و به‌رغم مخالفت شدید اطرافیان، فرمان مشروطیت را امضا کرد تا شکل حکومت و قدرت در ایران، ظاهراً از پادشاه به دولت و مجلس منتقل شد و هرگز این امر صورت واقع به خود نگرفت. ابتدا محمدعلی شاه به مخالفت با آن برخاست و تا بدانجا پیش رفت که از دکتر خلیل خان اعلم‌الدوله ثقفی خواست تا به‌عنوان پزشک پدرش، گواهی پزشکی، آن هم به صورت کتبی ارائه دهد که: مشاعر مظفرالدین‌شاه هنگام امضای فرمان مشروطیت، دچار اختلال شده بوده و فرمان، بی‌فرمان! و پاسخ اعلم‌الدوله روشن بود: نمی‌نویسم و اگر مجبور شوم که بر عدم صحت عقل مظفرالدین‌شاه، گواهی دهم، از ابتدای سلطنت او تا به آخر اشاره می‌کنم. بدین ترتیب ولایتعهدی جناب محمدعلی میرزا نیز زیر سؤال می‌رفت و کار به تهدید و توبیخ کشید و اعلم الدوله گریخت و چندی بعد محمدعلی شاه به سفارت روسیه در زرگنده تهران پناهنده شد و اعلم الدوله از مهلکه گریخت. حاصل شش سفر ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه به فرنگ، چیزی جز خود باختگی، وادادگی و تقلید ناشیانه از مصدرنشینان فرنگستان نبود و تنها از جیب پرفتوت ملت بزرگوار ایران خرج شد و سرانجام ملت به جان آمده از استبداد و فساد، راه حل را در خواستن دارالشورای کبری جست و جو کرد و تحدید سلطنت، اما نشد و حاصل بیست سال هرج و مرج - از ۱۲۸۵ تا ۱۳۰۴- سرانجام به سرنگونی و اضمحلال قاجاریان انجامید و قدر قدرت بعدی، ابتدا مجلس را «طویله» نامید و وقتی گفتند نمایندگان آن، منتخب مردم هستند، گفت: کدام مردم؟! و بدین گونه «نه از تاک، نشان باقی ماند و نه از تاکنشان». چهار تکبیر زدند بر هر چه که حاصل مشروطه بود و بی دلیل نبود که سیداشرف‌الدین گیلانی (نسیم شمال) در یکی از زیباترین بحر طویل‌هایش سروده بود: «رحمت‌الله علی مشروطه!» یکی از زیباترین اشعار عامیانه عصر مشروطیت، مربوط به محاسب‌الملک وقار (یوسف وقار) است که به تمام و کمال وصف‌الحال اوضاع پس از صدور فرمان مشروطیت است. این شعر مردمی که شباهت بسیار زیادی به سروده‌های عامیانه علامه دهخدا دارد به اشتباه به آن بزرگوار نسبت داده شده و طبق تصریح حضرت استادی، سید عبدالله انوار، سروده یوسف محاسب‌الملک است و اصطلاحات به‌کار رفته در آن، گوشه‌ای از فرهنگ لغات عامیانه مردم آن روز طهران است و باید این شعر مردمی را تهرانی دانست:

مشتی اسمال به علی کار و بار از رشده
تو بمیری، پاتوق ما بچه بازار شده
هر کسی واسیه خود- یکه میوندار شده
علی زهتاب در این ملک پاتوقدار شده
وکیل مجلس ما، جَخت آقا سردار شده
مشتی اسمال، نمیدونی چی کشیدیم به حق
چقدّه واسه مشروطه دویدیم به حق
پاهامون پینه زد و پاک بریدیم به حق
یه جوون پر و پاقرص ندیدیم به حق
همه از پیر و جوون، ورمال و وردار شده
بعد از این بر سر ماها چه بلاها برسه
چه بلاها که از این خلق به ماها برسه
به گوش ما و تو فردا، چه صداها برسه
کار این ملک، از اینجا به کجاها برسه
تقی نجار و بپا، اوستای معمار شده
هیچ‌کسی واسیه ما یک پاپاسی کار نکرد
یه از این خوش غیرتا، ذره‌ای کردار نکرد
چه خیونت‌ها، که اون بی‌رگ دیندار نکرد
تا سوار خر خود شد، خرشو بار نکرد
باز بگو مشروطه از ما چرا بیزار شده؟!
مشتی اسمال به اون جفت سبیلات قسمه
لوطی حق و حساب دون، به خدا خیلی کمه
هرکسی رو که تو بحرش بروی، اهل نمه
مار به اینها بزنه، والله بر ما رستمه
سراسر راسته ما، معدن اطفار شده!
مشتی اسمال به علی، این بچه‌ها گشت لشند
بلانسبت، بلانسبت همگی لاف کشند
خلق، بی‌همت و دون و کنس و بدکنشند
بر سر یه لش مرده، همه در کش مکشند
چون سگ و گرگ پی خوردن مردار شده
جُلتا، فکر تلکه‌اند به صد شیوه و رنگ
ما همه لول و پاتیلیم، ز افیون و زینگ
از ممدجنی گرفته، تا به کل مهتی پلنگ
صاف در خور خور خوابیم، همه مست و ملنگ
کی میگه ملت ایران، همه بیدار شده؟

اصطلاحات و لغاتی چون پاتوقدار، واسیه (واسة)، میوندار، جُلتا (آدم‌های بی‌سروپا) جخت (جخد، یا عطسه دوم که مردم به آن صبر می‌گویند)، چقدّه (چقدر)، وردار و ورمال (آدم بی‌شرم و حیا)، پاپاسی (واحد پول) حق و حساب دون (آدم اهل حرام و حلال)، اهل نم، اطفار (اطوار، ادا)، گشت (همگی) لش (بی‌عار) لاف کش یا لحاف‌کش (حرف بی‌حساب و کتاب زن یا آدمی که از راه ناصواب زندگی می‌کند) و جفت سبیلات (سبیل‌های دوطرف لب که یک اندازه و خوش ترکیب باشند). گواه این است که این شعر تهرانی و طهرانی است. با این حال، تاریخ مشروطه بخوانیم تا دریابیم چرا سیدمحمد طباطبایی می‌گفت: انگور انداختیم. سرکه شود، اما شراب شد!

نگاره

یحیی تدین

سهم من گردش حزن آلودی در باغ خاطره‌هاست
فروغ فرخزاد

توئیت‌نامه

از #سمانه تا #کابینه

این روزها شبکه‌های اجتماعی آینه تمام نمای جامعه هستند. دغدغه‌هایی که شهروندان آن را پی می‌گیرند و به دنبال پاسخ پرسش‌های خود هستند معمولاً در این شبکه‌ها نمود پیدا می‌کند. شبکه اجتماعی توئیتر از این لحاظ یکی از بهترین فضاهایی است که در آن می‌توان به دغدغه‌ها پی برد.

■ **#مجوزنمیدن**
کاربران توئیتر طی دو روز گذشته تصمیم گرفتند با این هشتگ، درباره موانع و مشکلاتی که برای برگزاری تجمع‌های دانشجویی و کارگری یا فعالیت‌های هنری معمولاً به وجود می‌آید سخن بگویند. نهادهایی که معمولاً با ندادن مجوز سعی می‌کنند جلوی این گونه فعالیت‌ها را بگیرند و اتفاقاتی که بعد از این ماجرا می‌افتد از جمله مضامینی بود که در توئیت‌های مربوط به این هشتگ به چشم می‌خورد.

■ **#کابینه**
همچنان بحث بر سر کابینه و وزرا داغ است. بسیاری بر این عقیده‌اند که ترکیب وزیران و افرادی که به‌عنوان وزیر معرفی می‌شوند برخاسته از مطالبه ۲۴ میلیونی نیست. بازار شایعات هم در این میان داغ است و هر شایعه واکنش‌های زیادی را باعث می‌شود.

■ **#وزیرزن**
حضور یا حضورنداشتن وزیرزن در کابینه نیز یکی دیگر از عمده موضوعاتی است که کاربران توئیتر همچنان درباره آن حرف می‌زنند. اینکه حضور زنان در کابینه یکی از مهم‌ترین خواسته‌هاست و باید در کابینه دوازدهم به آن پرداخته شود؛ موضوعی که البته درباره آن خبر موثقی نمی‌رسد و همه چیز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

■ **#سمانه**
خبر فوت دختری که در سیستان و بلوچستان بر اثر نیش زنبور درگذشت یکی از خبرهایی بود که از سوی کاربران پی گرفته شد؛ کاربرانی که در این استان زندگی می‌کنند و خواستار توجه به این اتفاق هستند. سمانه بعد از گزیده شدن و به خاطر نبودن درمانگاه در ایرندگان محل سکونتش به خاش انتقال پیدا می‌کند اما فاصله بین خاش تا ایرندگان صد کیلومتر است و در این فاصله سمانه بر اثر نیش زنبور فوت می‌کند.

آخر هفته بازار فرهنگ

■ **نمایش مستند «پسرک چشم آبی»**
مستند «پسرک چشم آبی» درباره جواد مجابی امروز ساعت ۱۸ در مؤسسه فرهنگی هنری آپ‌آرت‌مان واقع در خیابان کریمخان، خیابان ایرانشهر، خیابان کلانتری، شماره ۴۸ نمایش داده می‌شود.

■ **نقد و بررسی کتاب «چراغ قرمز»**
کتاب «چراغ قرمز» نوشته مهرانگیز اشراقی، امروز ساعت ۱۸ در کتابخانه رازی واقع در میدان قزوین، خیابان قزوین، خیابان شهید مرادی، بوستان رازی مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

■ **آیین گشایش سومین نمایشگاه گروهی محیط زیست**
آیین گشایش سومین نمایشگاه گروهی محیط زیست و نخستین نمایشگاه مستقل هنری زیست محیطی گروه فرهنگی جان زمین، فردا ساعت ۱۷ در آرت سنتر باغ واقع در بلوار اندرزگو، سلیمی شمالی، شماره ۱۴۵ برگزار می‌شود که تا ۲۸ مرداد هر روز ساعت ۱۲ تا ۲۱ ادامه دارد.

■ **جشن رونمایی کتاب «به دنبال سراب»**
جشن رونمایی کتاب «به دنبال سراب» شامل گفت‌وگوی بهمن زبردست با یوسف قریب درباره تاریخ یک دهه از فعالیت‌های حزب توده، فردا ساعت ۱۶ با سخنرانی فریدون مجلسی در دفتر مرکزی شرکت سهامی انتشار واقع در خیابان جمهوری، نرسیده به چهارراه ظهیرالاسلام، شماره ۹۲ برگزار می‌شود.

■ **دیدار با «سیدعلی صالحی»**
دیدار با «سیدعلی صالحی»، فردا ساعت ۱۸ در کتابفروشی نشر چشمه واقع در خیابان پاسداران، نبش گلستان یکم، مرکز خرید پردیس، طبقه دوم برگزار می‌شود.

■ **دیدار و گفت‌وگو با «میلاد کیایی»**
جلسه دیدار و گفت‌وگو در کتابفروشی آینده واقع در خیابان ولیعصر، سه‌راه زعفرانیه، خیابان عارف‌نسب، شماره ۱۲ به «میلاد کیایی» اختصاص یافته که امروز ساعت ۹:۳۰ صبح برگزار می‌شود.

■ **گشایش مجهزترین و پیشرفته‌ترین سالن موزه‌ای تمبر ایران**
مجهزترین و پیشرفته‌ترین سالن موزه‌ای تمبر در ایران، با نمایش ۵۰۰ تمبر منحصربه‌فرد تاریخی ایرانی و خارجی، همزمان با اختتامیه نهمین جشنواره ماه هشتم و آیین گرامیداشت میلاد امام رضا(ع)، امروز ساعت ۱۶:۳۰ در کتابخانه و موزه ملی ملک به نشانی میدان امام خمینی، سردر باغ ملی، خیابان ملل متحد گشایش می‌یابد.

■ **عصری برای شب‌های بخارا در رشت**
نشست «عصری برای شب‌های بخارا» با حضور علی دهباشی و سینا جهاندیده، فردا ساعت ۱۷ در کتابفروشی فرازمند رشت واقع در خیابان امام خمینی، جنب پاساژ سالار برگزار می‌شود.

■ **نشست «تلاش برای شکستن سقف شیشه‌ای»**
نشست «تلاش برای شکستن سقف شیشه‌ای» با حضور فاطمه راکعی، مینو مرتاضی، آذر منصوری، فاطمه صادقی، نیره توکلی و سیدمصطفی تاج‌زاده، امروز ساعت ۱۷ در مؤسسه فرهنگی علیمرادیان واقع در بلوار میرداماد، بین شمس تبریزی و کازرون جنوبی، شماره ۲۱۴ برگزار می‌شود.

■ **نمایشگاه عکس «مزامیر سکوت»**
گالری هپتا واقع در خیابان ایرانشهر، روبه‌روی ضلع غربی خانه هنرمندان، بعد از خیابان شاداب، بن‌بست نیکوشهر، شماره ۳، زنگ اول، فردا ساعت ۱۶ تا ۲۰ میزبان افتتاح نمایشگاه گروهی ۳۸ عکس از ۱۳ عکاس با عنوان «مزامیر سکوت» خواهد بود که تا ۲۵ مرداد ادامه دارد.

■ **داستان‌خوانی در شیراز**
آیین رونمایی دو کتاب «نزدیک داستان» نوشته علی خدایی و «بیست زخم کاری» نوشته محمود حسینی‌زاد با حضور نویسندگانِ دو کتاب، امروز ساعت ۱۹:۳۰ در کتابفروشی پیرسوک شیراز واقع در خیابان زند، خیابان ۳۸، شماره ۱۳ برگزار می‌شود.

ایران ما

رضا سلیمان نوری

مشهدک خرانق؛ قدمگاه معتبر امام ثامن(ع)

خرانق اردکان را اغلب مردم به منارجنبان آن می‌شناسند در حالی که این روستای تاریخی یادگاری هم از امام ثامن(ع) در خود دارد. این یادگار بقعه‌ای کوچک و گلی است که طاقی گنبدی شکل دارد و در کنار قبرستان خرانق واقع شده است. مردم محل این بنا را که به قدمگاه خرانق یا مشهدک معروف شده است، نمازگاه حضرت امام رضا(ع) یا مقام نزول حضرت ثامن(ع) می‌دانند و برای آن احترام ویژه‌ای قائل هستند و در آن به قرآن خوانی می‌پردازند. در این مکان سنگ خاکستری رنگی به ابعاد ۲۹×۲۷ سانتیمتر بر سمت جنوبی دیوار به جای محراب نصب است که به خط نسخ عباراتی درباره عبور حضرت ثامن الائمه(ع) از این محدوده روی آن نوشته شده است. وجود این سنگ نه تنها عبور امام ثامن(ع) از این نقطه را قطعی می‌کند بلکه اطلاعات ارائه شده در آن چون تاریخ ۵۹۵ هجری قمری یعنی سال‌ها پیش از حکومت صفویان در پای آن حک شده، از ارزش تاریخی بالایی در نزد محققان و مورخان برخوردار است.